

شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی و رابطه آن با امنیت پایدار مردمی

نویسنده: دکتر اعظم خطیبی^۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۸/۲۵

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۱ زمستان ۱۳۸۷

چکیده

یکی از حیاتی‌ترین اهداف و منافع هر کشوری، تأمین و حفظ امنیت پایدار است که تحقق آن در گرو وجود اتحاد و انسجام بین ملت و دولت می‌باشد. بنابراین، با شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی، مؤلفه‌های امنیت پایدار مردمی نیز شناسایی خواهند شد. این مقاله پژوهشی با روش توصیفی و پیمایشی با فن کتابخانه‌ای و پرسشنامه بسته، اهداف اختصاصی زیر را مورد مطالعه قرار داده است: ۱. تبیین اتحاد ملی و امنیت پایدار مردمی؛ ۲. شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی؛ ۳. بررسی رابطه این مؤلفه‌ها با امنیت پایدار مردمی. چارچوب نظری این پژوهش بر اساس آیات قرآن کریم، فرمایشهای حضرت علی (ع) نهج البلاغه و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف درباره وحدت ملی و انسجام اسلامی و نظرات برخی از اندیشمندان اسلامی ساخته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مؤلفه‌های اتحاد ملی با امنیت پایدار مردمی، رابطه وجود دارد. پاسخگویان، اجرای عدالت را مهم‌ترین مؤلفه اتحاد و امنیت پایدار ذکر کرده‌اند.

واژگان کلیدی:

اتحاد ملی، مؤلفه‌های اتحاد ملی، امنیت پایدار مردمی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، همدان، مرکز بهار.

مقدمه

اتحاد و امنیت، دو اصل اساسی در پایداری زندگی اجتماعی در روند تاریخی بشر است. همه جوامع به نوعی برای ایجاد انسجام و اتحاد اعضا تلاش می‌کنند؛ زیرا امنیت پایدار و دائمی تنها در سایه اتحاد و انسجام معنا می‌یابد. در ایران اسلامی نیز پس از جنگ تحمیلی به دلیل قومیت‌گرایی‌هایی که از سوی عمال بیگانه تشدید می‌شد و داعیه استقلال‌طلبی و تجزی را سر می‌دادند، مقام معظم رهبری را بر آن داشت تا با اعلام سال ۱۳۸۶ به عنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی، توجه آحاد جامعه را به رمز اتحاد و وحدت، معطوف و از این طریق، توطئه‌های داخلی و خارجی علیه ایرانیان و مسلمانان را خنثی سازند. به استناد تاریخ انقلاب اسلامی، پایدارترین نوع امنیت ملی آن است که سازگاری هنجاری افراد و احساس همدلی و یکرنگی هر چه بیشتر آنان نسبت به یکدیگر استوار شده باشد. بدیهی است اتخاذ راهکارهایی که به تقویت و گسترش روزافزون این احساس کمک رسانند، به طور قطع به همان میزان، ضریب امنیتی جامعه را نیز افزایش می‌دهد. (عطارزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۱)

از جمله مکانیزم‌های مؤثر در این رابطه، شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی با تأکید بر متون اسلامی است که موجب تقویت امنیت پایدار مردمی و روح فرانگری و ترجیح منافع ملی بر منافع فردی و شخصی در جامعه می‌شود. تحقق این مهم در گرو شرایطی است که دولت و ملت، به خصوص از توانمندی‌هایی بهره‌مند باشند تا بتوانند با هر گونه تهدید یا اقدام علیه منافع و ارزشهای مادی و معنوی خود که آنها را حیاتی می‌دانند، مقابله کنند.

از آن جا که دشمنان ایران و اسلام همواره در صدد ایجاد تشّت و تفرقه در افکار عمومی جامعه ایران بوده و از هر حربه‌ای علیه اتحاد و امنیت ملی سوء استفاده کرده‌اند، رؤسای جمهور ایران بعد از انقلاب اسلامی نیز تدابیر مدیریتی خاصی را اتخاذ کرده‌اند که بنا بر مقتضیات زمان، نقشه شوم دشمنان داخلی و خارجی را نقش بر آب کنند. مهم‌ترین این تدابیر را می‌توان در چهار مرحله به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد:

۱. در زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری به دلیل درگیری ایران با چالش جنگ، هدف اساسی برای بقای انقلاب اسلامی، حفظ موجودیت و امنیت و تمامیت ارضی بود. امام راحل که به ارزش امنیت حاصل از حضور مردم و تأثیر شگرف آن بر دفع آسیبهای احتمالی و همچنین هماهنگی میان مردم و نهادهای رسمی (دولت) متولگی نظم کاملاً بصیرت داشتند، توصیه‌های مهمی در این زمینه و در رابطه با رعایت عدالت و توجه به سرمایه‌های انسانی فرموده‌اند (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱-۲۳۰). ایشان نقش جوانان متعهد و دانشجویان مسلمان را در تحکیم امنیت و استقلال کشور، مهم می‌شمارند (امام‌خمنی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۱۱). ایران در دوران جنگ، به رغم تحریم اقتصادی، توانست طولانی‌ترین جنگ منطقه‌ای را در دهه‌های اخیر اداره کند. این امر موجب شکل‌گیری توانمندی‌های بسیاری برای ایران شد که در معنای وسیع کلمه، هسته‌های اولیه توسعه فن‌آوری نامیده می‌شود. در جنگ تحمیلی، طرف مقابل از همه‌گونه حمایت‌های نظامی کشورهای مرکز سرمایه و همسایگانی که احساس خطر می‌کردند، برخوردار بود. این جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و پایداری دلیرمردان سرافراز ایرانی بدون کوچک‌ترین کمک از دیگران و با تکیه بر هویت دینی و بومی خود پایان یافت. (رجب زاده و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱)

۲. در دوره بعد که مصادف با پذیرش قطعنامه بود، مسئولان، هدف استراتژی نظام را بر سازندگی و توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار دادند. در این برهه حساس، با تکیه بر عدم هراس از تحریم و تأکید بر باورهای کارساز و تقویت ایمان مردم، از صنایع نو پا حمایت شد. با اجرای برنامه‌های توسعه اول و دوم، گام‌های اصلی در جهت بازسازی خرابی‌های جنگ و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای مراحل بعدی توسعه برداشته شد.

۳. پس از ۸ سال حمایت از هدف سازندگی، نوبت به استراتژی جدیدی بود. دشمنان که از طریق جنگ و ایجاد مانع بر سر راه توسعه اجتماعی-اقتصادی طرفی نبسته بودند، ناامیدانه فرهنگ و ارزش‌های این مرز و بوم را هدف قرار داده، با استفاده از ناتوی فرهنگی و تبلیغات همه‌جانبه به آدمک‌سازی پرداختند. نقطه هدف، این بار جوانان و نوجوانانی بودند که یک نسل از نسل انقلاب فاصله داشتند و سختی‌های انقلاب و جنگ

را مستقیم نچشیده بودند. نسل دوم با کمترین هزینه و زحمت، بهترین طعمه برای دشمن شکست خورده انقلاب بود. مسئولان کشور در این برهه، هدف استراتژی نظام را فرهنگ و توسعه فرهنگی قرار دادند و تمام تلاش خود را در این زمینه برای خنثی سازی توطئه هویتی دشمن، در عرصه جهانی به کار بردند.

۴. در دوره پنجم^۱، هدف استراتژیک و اساسی، تلفیقی از تمام اهداف گذشته و پردازش آنها از کاستی‌ها، با شجاعت و دلیری اسلام علوی است. چیزی که ذائقه استکبار جهانی را تلخ و نقشه هایش را نقش بر آب کرده است.

بنابراین، جناحها و طرفداران هر دوره‌ای باید شرایط و مقتضیات جامعه را در درون و برون این مرز پر گهر در نظر بگیرند و عاقلانه قضاوت کنند تا از تفرقه و تک‌روی که چیزی جز تخریب ارزشها و شکاف در صفوف آحاد ملت را ندارد و امنیت را به خطر می‌اندازد، بپرهیزند. نکته بسیار اساسی که رهبر فرزانه انقلاب با درایت و زیرکی همیشگی خود بر آن تأکید دارند و رمز پیروزی و سربلندی ایران می‌دانند، اتحاد ملی و انسجام اسلامی است که می‌تواند امنیت پایدار مردمی را فراهم سازد؛ زیرا علاوه بر «وحدت و یکپارچگی ملت»، با «تقویت ایمان و باورهای کارساز در دل مردم ایران» توان برداشتن هر مانعی از سر راه امکان دارد.^۲ توجه به این بُعد، بُعد دیگری را فرا روی انسان قرار می‌دهد و آن «تقویت روحیه امید به آینده در ذهن مردم» است که آنها را از تنهایی و تک‌روی، دور و در جمع، پیوسته می‌دارد (باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵). این مهم به دست نمی‌آید مگر با وحدت درونی و قومی و دوری از تفرقه؛ که دشمن زخم خورده از هر روزنی در کمین نشسته و آرزوی تشتت و پراکندگی را در دل می‌پروراند.

با توجه به مطالب ذکر شده، در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این دو سؤال اساسی هستیم که:

۱. با احتساب دوره کوتاه مدت ریاست جمهوری شهید رجایی، دوره ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد، پنجمین دوره محسوب می‌شود.

۲. معرفها از سخنان رهبر معظم انقلاب که در سخنرانی‌های ایشان به مناسبت‌های مختلف و در تاریخهای متفاوت در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ ایراد گردیده‌اند، استخراج شده‌اند.

۱. مؤلفه‌های اتحاد ملی کدامند و چه رابطه‌ای با امنیت پایدار مردمی دارند؟
 ۲. کدام مؤلفه بیشترین تأثیر را بر اتحاد، انسجام ملی و در نهایت، امنیت پایدار مردمی دارد؟

بدیهی و مبرهن است که چنانچه اتحاد ملی خدشه‌دار شود، همبستگی اجتماعی متزلزل شده، آسیبها و انحرافات اجتماعی در داخل جامعه افزایش می‌یابد و اگر تهدید شود، امنیت رخ بر می‌تابد و تمامیت ارضی تاراج می‌شود و در نهایت، حیات مختل می‌گردد. با توجه به پیامدهای منفی عدم اتحاد ملی، اهمیت موضوع را نمی‌توان نادیده انگاشت. لذا، نقش آگاهی مردم و بسیج مردمی در حفظ و دفاع از اتحاد و انسجام ملی، حیاتی و ضروری است. در نظامهای توتالیتری، امنیت ملی صرفاً به تقویت سخت‌افزاری و نظامی گری خلاصه می‌شود. با رجوع به تاریخ عصر پهلوی، نفرت نظامی از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت و بودجه سالانه ارتش از ۲۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ و پس از ۴ برابر شدن قیمت نفت، به ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ رسید. (ابراهیمیان، ۱۳۷۷، ص ۵۳۵)

دلیل حفظ امنیت با تکیه بر قدرت سخت‌افزاری، جدایی نظام سیاسی پهلوی از مردم و بی‌توجهی به شناخت و معرفت مردمی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری بسیج مستضعفین با توجه به این پیشینه که برآمده از متن مردم است، از مهم‌ترین ابتکارات امام راحل بود که با درک این واقعیت که سرمایه‌گذاری روی نیرو و توان مردمی، امنیتی پایدار و ژرف را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا امنیت برآمده از اجبار و فشار دوامی نخواهد داشت، تحقق‌پذیرفت. بسیج در مفهوم اسلامی خود، دارای کاربردی گسترده است؛ به شرط آن که در شناخت مؤلفه‌های اتحاد و انسجام ملی همچنان کوشا و ساعی باشد؛ زیرا مفهوم امنیت، وجود نیروهایی را ایجاب می‌کند که نه از روی وظیفه، بلکه بر اساس احساس تکلیف که امری درونی و وجدانی است، به شناسایی زمینه‌ها و ریشه‌های ناامنی در جامعه و در نهایت، مقابله با آنها اقدام کند. (عطارزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۶)

بنابراین، هدف کلی، شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی و رابطه آنها با امنیت پایدار مردمی است. در این راستا بر اساس متون اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری، چارچوب نظری، تدوین و مؤلفه‌های اتحاد ملی و تأثیر آنها بر امنیت پایدار نیز تبیین می‌گردد.

همچنین به نظرسنجی دبیران بسیجی پیش دانشگاهی و متوسطه شهر همدان درباره میزان و درجه اهمیت هر یک از مؤلفه‌های اتحاد ملی و تأثیر آنها بر امنیت پایدار مردمی پرداخته می‌شود.

تعریف اصطلاحات

اتحاد از نظر لغوی به معنی توافق، وحدت نظر، متحد بودن و از نظر سیاسی، به معنی پیمان بستن دو ناحیه یا دو کشور با هم برای کمک به یکدیگر در موقع جنگ است. همچنین اتحاد به معنی یکی شدن و اتحاد انسان با خداست. (مطهری، ۱۳۵۶، ص ۲۹۶)

حافظ گمشده را با غمت ای یار عزیز

اتحادی است که در عهد قدیم افتاده است

اتحاد به معنی دیدن کل هستی به صورت یگانه و واحد، یا این عبارت که می‌گوید: مقام چهارم، مقام اهل فوز بود... و نهایت این مرتبه، منزل اتحاد باشد. (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱-۲۳۰)

امنیت (Security) به معنی ایجاد بسترهای لازم برای تک تک افراد جامعه تا بتوانند به تمام امور شخصی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و غیره خود رسیدگی کنند و از طرف دولت تدبیری برای ایجاد ابزارهای کنترل برای رفع مزاحمت کسانی که در این راستا اخلال ایجاد می‌کنند، است (لغت نامه دهخدا، ذیل ماده اجتماع و امنیت). از نظر لغوی نیز به معنی ایمن بودن و در ایمان بودن است. (فرهنگ معین)

مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری در هر پژوهشی برای ساختن چارچوب تئوریک مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش به دلیل رویکرد دینی-جامعه‌شناختی، از نظریه‌های ناب اسلامی مندرج در قرآن، نهج البلاغه، سخنرانی‌های حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری با موضوع حفظ وحدت و نیز اندیشه‌های دانشمندان اجتماعی مسلمان استفاده شده تا چارچوب تئوریک ترکیبی ساخته شود. سپس بر اساس شناخت به دست آمده، به تنظیم فرضیاتی پرداخته شده که معرف مؤلفه‌های تبیین‌کننده اتحاد ملی و امنیت پایدار مردمی است. ابتدا به بحث در حوزه اتحاد ملی و سپس امنیت پایدار مردمی پرداخته می‌شود.

اتحاد ملی و مؤلفه‌های آن

یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت پایدار، وجود وحدت در صفوف مسلمین و دوری از تفرقه و پراکندگی است. به همین دلیل، قرآن کریم در آیه ۱۰۵ سوره آل‌عمران، مسلمانان را از تفرقه و پراکندگی بر حذر می‌دارد: «و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیمودند، پس از آنکه آیات و ادله روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد و چنین گروهی گرفتار عذاب سخت خواهند بود».

همچنین امام علی (ع) در خطبه‌ها و نامه‌های الهی خود، بارها یارانش را به وحدت و دوری از تفرقه خوانده و خطر تفرقه را گوشزد کرده بود تا آنها را از ناامنی برهاند. ایشان در خطبه ۷۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «آگاه باشید! در امت اسلام هیچ کس وجود ندارد که به وحدت امت محمد (ص) و انس گرفتن آنها با یکدیگر از من دلسوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم و به آنچه پیمان بین خود و خدا دارم پایبندم». این خطبه مسئولیت خطیر رهبر و امام امت را در ایجاد و تقویت امنیت داخلی گوشزد می‌کند.

در خطبه قاصعه (۱۹۲)، آن حضرت مردم را به سنتهای الهی در کامیابی‌ها و شکستها در طول تاریخ توجه می‌دهند و حفظ وحدت را به عنوان عامل اصلی پیروزی‌ها در امم

گذشته و اختلاف را به عنوان عامل همه ناکامی‌ها معرفی می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «وقتی زندگی گذشتگان را مطالعه می‌کنید به دنبال اموری باشید که عامل عزت آنها بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنها را فراهم ساخت و نعمتهای فراوان را به سویشان سرازیر نمود و کرامت و شخصیت به آنها بخشید که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، بر وحدت و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به وحدت واداشته و به آن سفارش کردند... و شما از کینه توزی با یکدیگر و پر کردن دلها از بخل و حسد، به کدیگر پشت کردن و از هم بریدن و دست از یاری هم کشیدن پرهیزید و در احوالات مؤمنین پیشین، اندیشه کنید که چگونه در حال آزمایش و امتحان به سر بردند. فرعونهای زمان، آنها را به بردگی کشاندند و همواره بدترین شکنجه‌ها را بر آنان وارد کردند... که این دوران ذلت و خواری و مغلوب بودن تداوم یافت. نه راهی وجود داشت که سر پیچی کنند و نه چاره‌ای که از خود دفاع نمایند تا اینکه خداوند، آنها را از تنگناهای بلا و سختی نجات داد و ذلت آنها را به عزت و بزرگواری و ترس آنها را به امنیت تبدیل کرد و آنها را حاکم و زمامدار و پیشوای انسانها قرار داد و آنچنان قدرت و کرامت و بزرگی از طرف خداوند متعال به آنها رسید که خیال آن را هیچ‌گاه در سر نمی‌پروراندند. پس اندیشه کنید که چگونه بودند آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند. خواسته‌های آنها یکی، قلبهای آنها یکسان و دستهای آنها مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده هم، نگاهها به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و همسو بود. آیا در آن حال، مالک و سرپرست سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس پایان کار آنها را بنگرید؛ در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی در بین‌شان از میان رخت بر بست و سخنها در دل‌هایشان گوناگون شد و از همدیگر جدا شدند و به حزبه‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تن‌هایشان به در کرد و نعمتهای فراوان و شیرین خود را از آنها گرفت و تنها داستان آنها در میان شما عبرت انگیز باقی ماند».

خطبه قاصعه عمیق‌ترین ارزشها و معارف الهی را در خود دارد و درمانی برای

دردهای بشر در همه دوران و اعصار است؛ اما متأسفانه در میان ما مهجور مانده است. حضرت علی (ع) با شیواترین بیان، مؤلفه‌های اتحاد را تبیین می‌نماید. تنها کافی است که گوش جان بسپاریم و نوش جان داریم. امام (ع) وحدت را گرانبهاترین عامل پیروزی و امنیت، ولو در جبهه باطل می‌دانند.

در خطبه ۲۵ که در سال ۲۰ هجری قمری ایراد شده، در شرایطی که مدام اخبار نگران کننده‌ای از شکست اصحاب امیر المؤمنین (ع) به دلیل اختلافات عمیق در میان آنها به آن حضرت می‌رسید، علت شکست اصحاب خود و پیروزی یاران معاویه را چنین بیان می‌فرماید: «اکنون جز شهر کوفه در دست من باقی نمانده است که آن را بگشایم یا ببندم. ای کوفه فقط تو برای من باشی! آن هم برابر آن همه مصیبت‌ها و طوفانها! چهره ات زشت باد!» آن گاه حضرت (ع) فرمودند: «به من خبر رسیده "بسرین ارطاه" (فرمانده خیانت پیشه معاویه) بر یمن تسلط یافته است. سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنان در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید، شما امام خود را در حق نافرمانی می‌کنید و آنها امام خود را در باطل فرمانبردارند و از طاغوت خود دفاع می‌کنند! آنها نسبت به رهبر خود امانتدار و شما خیانتکارید».

با توجه به خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع)، ساختار و مدل نظری مؤلفه‌های اتحاد ملی، شامل ۱. معرفت و آگاهی؛ ۲. شناخت دوست و دشمن؛ ۳. پیروی از امام؛ ۴. صبر در سختی‌ها و ۵. رشادت و از خود گذشتگی می‌باشند که اجرای آنها امنیت پایدار ملی را تضمین می‌کند.

امام خمینی (ره) با ارزیابی دقیق از شرایط جامعه و درک این نکته مهم که تضمین امنیت به شیوه دیکتاتوری و ارباب امکان پذیر نیست، در صدد بهره جویی از شور و توان انقلابی قشر جوان و فعال، جهت برقراری نظم و انسجام برآمد و بدین منظور با اهدای شخصیت به جوان، بسیج مستضعفین و ارتش بیست میلیونی را طراحی فرمود تا به بهترین شکل، امنیت پایدار مردمی را در رابطه با توطئه‌های داخلی و

خارجی تضمین کند. بنابراین، فرایند امنیت و پویایی آن، تنها در سایه تقویت و تحکیم زمینه‌های داخلی می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: «در سرتاسر ایران یکمترتبه سپاه پیدا شده. نه یک جمعیتی بودند که بروند یکی اینها را اسم نویسی کنند، بلکه مسئله الهی بود». (نقل از: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۲/۱۴)

شرایط داخلی منبع اصلی آسیب پذیری در برابر تهدیدها هستند. باید شرایط داخلی را بهبود بخشید (سابق، ۱۳۷۷، ص ۷۸). بی‌توجهی به این نکته مهم در جهان سوم، با وجود برخورداری از قدرت نظامی رسمی، دستگاه امنیت داخلی و ثروت ناشی از منابع اقتصادی، این کشورها را اغلب گرفتار ضعف و ناکارآمدی در عرصه امنیت باقی است نگه داشته است. بر این اساس است که امام(ره) همواره بر وحدت کلمه و حضور گستره مردم و به ویژه نسل جوان در صحنه تأکید داشت و بسیج را به عنوان بهترین بستر برای تأمین و تحقق این امر مهم، گرامی می‌داشت: «رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۳۱) و تضعیف امنیت نظام و افزایش آسیب پذیری آن را با کناره‌گیری و انزوای این گروه از صحنه، در ارتباط مستقیم می‌دید: «بالاخر از ذخایر تحت الارضی، ذخایر فوق الارضی، این جوانهای ما هستند. جوانهای ما را دارند می‌برند اغفال می‌کنند، به آنان تزریق می‌کنند که هر بدبختی که شما دارید از اسلام است». (نقل از عطارزاده، ۱۳۸۵، ص ۵۰۰)

آنچه رهبر کبیر انقلاب اسلامی را می‌آزارد، اغفال جوانان فعال و پرشور و مؤمنی است که مورد هجوم دسیسه‌های دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته‌اند. این امر، گسست وحدت و اتحاد بین آحاد جامعه، بین نسلها و بین دولت و مردم را به دنبال دارد. همچنین امام(ره) ضمن توجه به ارزش امنیت حاصل از حضور مردم و تأثیر شگرف آن بر دفع آسیبهای احتمالی، متوجه هماهنگی میان مردم و نهادهای رسمی متوکی نظم بودند و رعایت عدالت را مهم‌ترین عامل این هماهنگی قلمداد می‌کردند. ایشان می‌فرمایند: «در اینجا باید پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که خود پاسدار دارای عدالت باشد تا بتواند از عدالت پاسداری کند» (نقل از: همان، ص ۴۳). «ملت‌ها اگر نمانند

بخورند و در پناه حکومت عدل و قانون در امنیت به سر برند، بهتر از این است که دارای قصر و زندگی کذایی باشند ولی آزادی و امنیت نداشته باشند. مهم‌ترین موضوع در زندگی، اطمینان و امنیت است که جز در پناه حکومت عدل و قانون به دست نمی‌آید» (نقل از: همان، ص ۴۴). امام راحل، اجرای عدالت و تبعیت از قانون را مهم‌ترین عامل امنیت و مسئولان متولی امنیت را بیش از سایرین، موظف به اجرای آن می‌دانند. ساختار و مدل نظری مؤلفه‌های اتحاد ملی و تأثیرگذار بر امنیت پایدار مردمی استخراج شده از اندیشه‌های حضرت امام (ره) را می‌توان این گونه بیان کرد:

۱. توجه به شرایط داخلی؛ ۲. اجرای عدالت؛ ۳. تبعیت از قانون.

مقام معظم رهبری نیز در جهت ایجاد همگرایی و وحدت گروهها و امنیت پایدار، راههای متعددی را ارائه می‌فرمایند که به دو دسته کلی اقدامات عملی و نظرات راهبردی قابل تقسیم است.

الف) اقدامات عملی

فراخوانی گروههای فعال در صحنه سیاسی در جهت فراهم کردن آرامش و وحدت، نشست با سران جناحها و شخصیت‌های سیاسی، بستر سازی و فراهم کردن زمینه گفتگو بین جناحها، نامگذاری سال امام علی (ع) به جهت اعتقاد جناحها به راه و اندیشه آن حضرت به عنوان عرو الوثقای همگرایی، نامگذاری سال وحدت و امنیت به منظور معطوف کردن همه معتقدان به انقلاب به اهمیت وحدت و... از اقدامات عملی ایشان در جهت بستر سازی و تقویت اتحاد ملی و امنیت مردمی است. (ر.ک. به: باقری، ۱۳۷۹)

ب) نظرات راهبردی

مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۶/۷/۲۱ مصادف با عید سعید فطر، مهم‌ترین عامل اتحاد ملی را در کشور سربلند ایران اسلامی، ایمان به خدای احد و واحد این ملت بزرگ عنوان فرمودند. همچنین از مهم‌ترین نظرات راهبردی ایشان در ارتباط با همگرایی و وحدت

جناحهای معتقد به انقلاب، اشاره به مؤلفه‌هایی برگرفته از قرآن کریم و روایات اهل بیت رسول خدا (ص) است که در ادامه به توصیف آنها پرداخته می‌شود.

۱. دشمن شناسی: مقوله دشمن شناسی از سه جهت می‌تواند به انسجام و همدلی جناحهای اصیل انقلاب کمک کند:

جهت اول این است که جریاناتی در چند ساله اخیر سعی کردند وجود دشمن و توطئه را امری توهمی جلوه دهند و از این کار سه هدف عمده را مد نظر داشتند: الف) متزلزل کردن باور جناحهای طرفدار انقلاب نسبت به وجود دشمن؛ ب) رخنه در صفوف جناحهای وفادار به انقلاب؛ ج) نفوذ در ارکان نظام.

ایشان در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاسوعای حسینی (۷۸/۴/۲۱) به همه نیروهای انقلابی فرمودند که: «متأسفانه امروز گروهی نسبت به بیان واژه دشمن حساس شده‌اند. اما دشمن وجود دارد و نمی‌شود او را نادیده انگاشت. یقیناً ملتی که اسلحه و توطئه دشمنانش را نبیند، ستایش نخواهد شد. ...دشمن خود می‌گوید که برای براندازی شما بودجه و رادیو اختصاص داده‌ایم. در چنین شرایطی، غفلت و اشتباه نکنیم. دشمن نمی‌تواند در راه رسیدن به اهداف و خواسته‌هایش موفق شود». ... ایشان در مورد برخی از اختلافات سیاسی جناحها (حادثه کوی دانشگاه) می‌فرمایند: «اختلافات سلیقه‌ای و سیاسی را کنار بگذارید. البته ما اصرار نداریم که همه یک‌طور فکر کنند. من به یک جریان سیاسی خاص اشاره نمی‌کنم، خطاب به همه است، برای منی مناطق و ملاک، راه خدا و راه امام (ره) و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده کشور مطرح است...» (نقل از: باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴-۱۵۲)

جهت دوم در خصوص شگردها و اهداف دشمن است. ایشان سعی دارند از یک سو نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی را از فرو رفتن در دام تبلیغات دشمن بر حذر دارند و از سوی دیگر معتقدان به انقلاب اسلامی را به اصل حفظ نظام متوجه نمایند. از نظر ایشان دشمن سه هدف را دنبال می‌کند:

الف) تخریب وحدت ملی و یکپارچگی ملت ایران؛

ب) تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛

ج) تخریب روحیه امید و آینده در ذهن مردم.

جهت سوم نیز پرهیز از نگاه دشمنانه نسبت به یکدیگر و مقابله با دشمن اصلی است. به گفته ایشان در بیستم خردادماه ۱۳۷۷: «یکی از کارهای دشمن این است که ما را از هم غافل کند و ما دشمن را در میان خود جستجو کنیم. لیکن ما باید با حفظ بیش از پیش هوشیاری خود، راه نفوذ دشمن را سد کنیم». در بخش دیگری (۷۸/۲/۲۱) می‌فرماید: «... دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب نه فقط دل نسوزانده، بلکه حتی در مقابل این انقلاب در برهه‌هایی از زمان ایستاده است. بعضی در مقابل انقلاب در زمان پهلوی و بعضی در زمان نظام اسلامی خرابکاری کردند. هدف اینها تخریب وحدت ملی است». (نقل از: همان، ص ۱۵۶)

۲. پرهیز از جبهه بندی‌های کاذب

عناوین و تعابیر متفاوتی که برای هر یک از جناحها به کار می‌رود؛ نظیر چپ و راست، اصلاح طلب و محافظه کار، دموکرات و اقتدارگرا، افراطیون و میانه روها، طرفداران آزادی و مخالفان آزادی، مردم سالاران و تمامیت خواهان و...، از یک سو ترکیب جناحها را به هم زده و از سوی دیگر به اختلاف سلیقه‌ها رنگ و بوی ایدئولوژیک داده است. همچنین هر اصطلاح جدید نوعی بار منفی مقابله با نظام را با خود به همراه دارد.

۳. تأکید بر مرز بندی

تغییر و به هم ریختگی آرایش سیاسی سابق بین نیروهای خودی و غیر خودی که منشأ تنش و تعاملات خصمانه و مانع جدی وحدت بین دو جناح اصیل انقلاب بود و تهدید کننده امنیت ملی محسوب می‌شد، خاستگاه این راهبرد می‌باشد. کسانی که با سوء استفاده از فضای آلوده سیاسی کشور، خود را در صفوف نیروهای انقلاب جا زده‌اند می‌دانستند که حیات سیاسی آنها منوط به تداوم این ابهام و مشخص نشدن مرز بین

خودی و غیر خودی است. به همین علت، این افراد و جریانات با یک هجمه وسیع به طرح شبهاتی پیرامون مباحث خودی و غیر خودی، جهت مخدوش کردن این مرز بندی پرداختند.

از تدابیر رهبر فرزانه انقلاب برای دفع چنین شبهاتی، این بود که فرمودند مرز بندی خودی و غیر خودی مربوط به آحاد ملت نیست، بلکه مختص جریانات سیاسی است: «حالا خودی و یا غیر خودی داریم یا نداریم؟ اگر بخواهیم ملت را حساب کنیم، نه؛ آحاد ملت همه خودی هستند. اما جریانات سیاسی خودی و غیر خودی داریم».

تدبیر دیگر، ارائه ملاکها و معیارهای مشخص خودی و غیر خودی است تا دو جریان اصیل با تمسک به آن، خودشان را بر اساس شاخصهای خودی سامان داده و در یک جهت ببینند و از سوی دیگر، با شاخصهای غیر خودی که همان عدم شاخصهای خودی است، مرز خود را با غریبه‌ها مشخص سازند.

خودی کسی است که دلش برای اسلام و انقلاب می‌تپد؛ به امام (ره) ارادت دارد و برای مردم به صورت حقیقی احترام قائل است و غیر خودی کسی است که دستوراتش را از بیگانه می‌گیرد؛ دلش برای بیگانه و برگشتن آمریکا می‌تپد؛ از اول انقلاب به دنبال ایجاد رابطه دوستانه با آمریکا بوده است، به امام (ره) اهانت و به آمریکا احترام و اظهار علاقه می‌کند.

سومین تدبیر رهبر انقلاب این بود که حساب حقوق شهروندی غیر خودی‌ها و رأفت و مدارا با آنها را از داشتن مرز بین خودی و غیر خودی جدا کنند. ایشان در تاریخ پنجم فروردین ماه ۱۳۷۸ در تبیین این مسئله می‌فرمایند: «آنچه که در نظام اسلامی باید همیشه مورد توجه باشد، مشخص بودن جبهه‌هاست و مخلوط نشدن جبهه حق با باطل (ناحق) است. ممکن است جبهه ناحق، مورد مدارا قرار گیرد؛ مانعی ندارد. ممکن است در جایی هم دست دوستی با او داده شود؛ در جای خود مانعی ندارد. اما زنهار، خطوط فاصل نایستی به هم بخورد. باید مشخص باشد که حق کیست و کجاست و چرا و چه می‌خواهد بکند. هدف و روش و تاکتیک و عملکردش چگونه است و ناحق کیست و

چرا و چه هدفی دارد... غفلت از این مرز بندی و تشخیص، به نفع هیچ جبهه حقی نخواهد بود». (نقل از: همان، ص ۱۶۱)

۴. بلا اشکال بودن وجود سلیقه‌ها

رهبر معظم انقلاب بر اساس سیره حضرت امام (ره)، بارها بر اختلاف سلیقه‌ها صحه گذاشته و همواره متذکر شده‌اند که نباید اختلاف سلیقه‌ها منجر به رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه شود. ایشان دو نوع اختلاف را مطرح می‌فرمایند: اختلاف ممدوح و مطلوب و اختلاف مذموم و مطرود. (همان، ص ۱۶۳)

در اختلاف نوع اول، تنش و درگیری وجود ندارد، بلکه بالنده و حیات بخش است. اما اختلاف نوع دوم، منازعه برانگیز و تخریب کننده هستی جامعه می‌شود. بنابراین، برای اینکه اختلافات جناحها سازنده باشند، نیازمند چند ویژگی هستند؛ اول اینکه، اختلافات باید مثل اختلاف دو هم مباحثه‌ای باشد. دوم اینکه، مثل اختلاف فقهی اسلام باشد و سوم اینکه باید اصل «رحماء بینهم و اشداء علی الکفار» بین معتقدین به انقلاب و نظام حاکم باشد. ایشان می‌فرمایند: «... در جامعه پیامبر (ص) هم همه مردم یک طور نبودند... در آنجا هم خط و خطوط بود... اما اصحاب نسبت به هم رحم داشتند... حتی نسبت به آن کسانی هم که در خصوص ارزشها غفلت داشتند. هدف باید بیدار کردن و پرده غفلت را دریدن باشد و نه پنجه زدن». (۷۷/۱۰/۳)

۵. ارائه معیارهای وحدت

معیارهای وحدت، عامل وحدت بخشی و همگرایی جریانات داخل نظام هستند و حول سه محور قابل دسته بندی می‌باشند: (باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶)

الف) معیارهای معطوف به قانون؛ مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «وحدت مردم، اتحاد قلبی و روحی مردم، محبت و وفاق مردم، حول نظام اسلامی و احکام مقدسه اسلامی، حول قانون اساسی که منطبق بر احکام اسلامی است... وحدت ملی را تشکیل می‌دهد». (نقل از: همان)

ب) معیارهای معطوف به اخلاق؛ رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «اگر هوای نفس، خود خواهی و مصلحت قبیله‌گرایی نباشد، مصلحت کشور، نظام، آینده‌های بلند مدت مورد نظر باشد، این جنگ‌ها چیزی نیست که دو نفر را، دو گروه را، دو انسان را به جان هم بیندازد (۱۳۷۸/۹/۷)». «بایستی سعی ما این باشد که آن عنصر قوی و قدرتی که در تاریخ سراغ داریم و در زندگی شخصی تجربه کرده‌ایم، در خودمان زیاد کنیم. آن اعتماد به خدا و آنچه که از اسلام در دست داریم و از محوریت خارج کردن من؛ یعنی کم کردن منیت‌های شخصی، منیت‌های قومی، منیت‌های سیاسی، به سمت آن اتحاد حقیقی در زیر سایه احکام الهی برویم. آن اتحادی که شرطش ایمان واحد، عشق واحد و هدف واحد است» (۱۳۷۸/۷/۱۰)

ج) معیارهای معطوف به ارزشهای انقلاب؛ «هر اختلاف سلیقه‌ای هم که باشد، اصل احترام به اسلام، قرآن، پاسداری از انقلاب و راه امام و عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است... همه آنها در این چیزها متفق و متحدند» (۱۳۷۷/۱۰/۲۸). معظم له در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۷۹/۲/۲۳) معیارهای ناظر بر ارزشهای انقلاب را در یک مجموعه تفصیلی مطرح ساختند که می‌توان آن را «منشور وحدت» نامید؛ زیرا مورد توافق تمام جریان‌های اصیل انقلاب می‌باشند. این ارزشها شامل ایمان، عدالت، رفع شکاف طبقاتی، دینداری، دوری از اسراف و تجمل، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران، اخلاق و آزادی فکر و بیان، استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به طور جامع و یکسان مورد اهتمام گروه‌های سیاسی قرار نگرفت. برخی به ارزشها و برخی دیگر به پیشرفت و تحول توجه کردند... و این مقولات مبدل به عامل اختلاف آنها شد. ایشان توصیه فرمودند که این اولویت‌بندی‌ها باید مکمل یکدیگر باشند نه محل دشمنی و خصومت. ایشان خطرهایی را که متوجه هر دو جناح می‌شود را این گونه بیان می‌دارند: «آنهايي که به ارزشها توجه می‌کنند و تحول و پیشرفت را نادیده می‌گیرند، تحجر آنها را تهدید می‌کند که باید مواظب باشند و آنهايي که به تغییر و تحول توجه می‌کنند و ارزشها را در درجه دوم قرار

می دهند، خطر انحراف در آنها وجود دارد. ایشان با طرح خطر بزرگ تر نفوذ، جناحها را به خود پالایی دعوت می کنند که باید از درونشان یا باز اندیشی در خویشتن شروع کنند تا از غلتیدن به دام تحجّر و انحراف، خود را مصونیت بخشند». (نقل از: باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸-۱۶۷)

۶. چگونگی برخورد با مفاهیم جدید و مشتبه

در سالهای اخیر مفاهیمی همچون: جامعه مدنی، اصلاحات، خشونت، آزادی، توسعه سیاسی، تساهل و تسامح در جامعه مطرح شده است که نیازمند تعریف دقیق و روشن می باشند؛ زیرا عدم شفافیت و تعریف دقیق، عامل مهم درگیری و تنش می باشد که وحدت جامعه و به تبع آن، امنیت را به خطر می اندازد.

۷. پرهیز از تعمیم گرایی خطاهای کوچک و رخدادهای سیاسی

سرایت دادن رفتار یک نفر یا یک گروه به علوم، در تشدید اختلافات بین معتقدان به انقلاب تأثیر بسزایی دارد.

۸. برجسته کردن نقاط مشترک

رهبر معظم انقلاب تأکید داشتند که جناحهای مختلف به جای پرداختن به اختلافات، به نقاط مشترک خود پردازند که از اصول مشترک در نزدیکی جناحها و همدلی آنهاست.

۹. تنازل مواضع

گروهها و جناحها باید در موضع خود انعطاف و نرمش داشته باشند. البته موضع بنیادی و اساسی، معطوف به اساسی ترین اصول انقلاب و نظام قابل انعطاف و عقب نشینی نیست. اما پافشاری بر موضع غیر اصولی از نظر مقام معظم رهبری، غیر معقول و وحدت زداست. وحدت باید همزبانی و هم عملی ایجاد کند. ایشان می فرمایند: «... اتحاد و نزدیک شدن

با هم، تنازل لازم دارد. نمی شود که ما همان جای خودمان بایستیم آن هم همان جای خودش بایستد؛ بگوییم خوب حالا با همدیگر به هدف نزدیک می شویم. نزدیکی به این است که یک قدم شما بردارید و یک قدم او بردارد». (نقل از: باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲)

وحدت قومی

از مؤلفه‌های دیگر اتحاد ملی، وحدت قومی است. ایران سرزمین کثیر القوم است و ضرورت ایجاب می کند که بین ۶۰ درصد اقوام جمعیت ایران به جز فارس زبان، وحدت و انسجام تقویت شود تا از استقلال و تمامیت ارضی ایران در برابر تهاجمات بیگانگان دفاع گردد. قومهای تالشی، آذری، ترک، کرد، لر، عرب و... در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی گاه بحرانهای قومی را به وجود آورده اند که کی از عوامل تهدید کننده وحدت و امنیت ملی بوده است.

اتحاد ملی با وحدت قومیتها در زیر پرچم ملی امکان پذیر است؛ به گونه ای که همه اقوام خود را در درجه اول یک ایرانی متعهد و مسئول قلمداد کنند، آن گاه به قومیت و خرده فرهنگ خود وابستگی عمیق نشان دهند. قومیت در کشورهایی که تنوع قومی دارند می تواند انسجام و وحدت ملی را به چالش بکشد و بحرانهای امنیتی و ارضی را به دنبال داشته باشد. برای تقویت هویت ملی و تأمین امنیت، با شناخت عوامل تکوینی و تشدید ناسیونالیسم قومی، می توان راهبردهای مناسب و اقدامات به جا را به کار برد و اتحاد ملی و امنیت را ضمانت کرد. (جوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

متفکران اسلامی و عدالت و امنیت

با نگاهی تاریخی، این معرفت حاصل می گردد که اندیشمندان اجتماعی مسلمان نیز به اتحاد و مؤلفه‌های آن علاقه مند بوده و چگونگی تأثیر گذاری مؤلفه‌ها بر امنیت را مورد توجه و دقت قرار داده اند؛ اما از آنجا که مجال پرداختن به همه آنها نیست، به تعدادی از آنها اشاره می شود.

فارابی مسئله باورهای مشترک را در چارچوب یک نظریه متشکل از محبت و عدالت قرار داده، بر این باور است که آنچه عامل پیدایش همبستگی اجتماعی می‌شود، محبت است و استقرار و استمرار این همبستگی در گرو اجرای عدالت است. (بارنز، ۱۳۷۰، ص ۷۱-۷۰) اخوان الصفا بر اساس بینش مذهبی خویش، تأمین بهترین شیوه زندگی را - که ضامن سعادت دنیوی و اخروی انسانهاست - در گرو تعاون می‌دانند و بر این باورند که همبستگی اجتماعی، برترین سبب فراهم آمدن تعاون اجتماعی است. آنان معتقدند که داشتن باورها و ایده‌های مشترک، عامل همبستگی اجتماعی است و محبت، رحمت و دلسوزی، مدارا و رعایت مساوات از سوی افراد، همبستگی اجتماعی را تداوم می‌بخشد. (رساله اخوان الصفا، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۶۹، ۱۷۰ نقل از: بازنز، همان).

ابن خلدون مهم‌ترین عامل اتحاد و انسجام جامعه را در عصیبت می‌بیند. عصیبت به معنی همبستگی (solidarity)، تفاوت‌های معنایی و نظری با یکدیگر دارند. همبستگی، مفهومی بسیار انتزاعی است که دورکیم - جامعه‌شناس فرانسوی - تلاش می‌کند برای آن معرفت‌های عینی و ملموس برگزیند. از نظر وی، حقوق، مظهر و جلوه ملموس‌تر همبستگی است: «همبستگی اجتماعی یک پدیده اخلاقی و معنوی است و به خودی خود در معرض ملاحظه و مشاهده دقیق قرار نمی‌گیرد و خصوصاً به اندازه گیری، تن نمی‌دهد» (دورکیم، ۱۳۵۹، ص ۷۹). ابن خلدون عصیبت را عامل رشد و شکوفایی تمدتها و اتحاد و همبستگی قومی و قبیله‌ای می‌داند و رفاه‌زدگی، تجمل پرستی و راحت طلبی و خودکامگی پادشاهان را عامل زوال و نابودی همبستگی و در نهایت. آفت دولتها قلمداد می‌کند. لذا از راههای جلوگیری از این آسیب و بلای خانمان سوز، از دیدگاه ابن خلدون، داشتن عصیبت و ساده زیستی و شجاعت است. این مؤلفه‌ها از عوامل مهم تضمین کننده امنیت پایدار مردمی است؛ زیرا ساده زیستن مسئولان، موجب می‌شود که مردم آنها را باور کنند و در بحرانها در کنار آنها باشند.

امنیت اجتماعی

امنیت به معنای آن نیست که هیچ اتفاق ناهنجاری در جامعه رخ ندهد و آرامش مطلق بر آن حاکم باشد، بلکه بدان مفهوم است که افراد خود را در پناه قدرت مشروع حاکم بر جامعه، ایمن احساس کنند. برای ایجاد نظم و برقراری امنیت، راهکارهای مختلفی وجود دارد که شایع‌ترین و در دسترس‌ترین آنها اعمال زور از طریق مراجع قدرت است که گرچه به سرعت نتیجه آن در قالب نظم و امنیت نمادین ظهور می‌یابد، لیکن اثر آن موقتی و ناپایدار است. این نوع امنیت، از ابعاد اجتماعی - فرهنگی ضعیف می‌باشد و در روابط کنشگران در تمام سطوح بر پایه عاطفی و خاص گرا (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۰-۲۴۲) به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت، میزان اعتماد عمومی متقابل تضعیف و علقه امنیتی آنها برجسته می‌شود. در سایه چنین نظامی، افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند و در غیاب طراوت فرهنگی و اجتماعی، انسانها جهت پاسخگویی به نیازهای خود اجباراً به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه‌ای بر اساس ارباب و نوکری برقرار می‌کنند (جلبی، ۱۳۷۵، ص ۷۷). نتیجه مستقیم حاکمیت چنین رابطه‌ای، انحصار امر تأمین امنیت به نیروی نظامی و انتظامی است که به دلیل جدایی از متن مردم، بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکر ارتش در جامعه وارد می‌سازد و آن را در مواقع حساس از کارایی و کارآمدی باز می‌دارد.^۱ برجسته‌ترین نمونه آن شکست و اضمحلال ارتش رضاخانی در جریان تهاجم بیگانگان طی جنگ جهانی دوم است. در نظامهای توتالیتر همچون رژیم پهلوی، امنیت ملی صرفاً به مدلولهای سخت افزاری دلالت داشت و امنیت و قدرت مترادف نظامی گری تعریف می‌شدند، حریم «ملی» به رأی جامعه خلاصه شده و توهم «امنیت مطلق» سایه سنگین خود را بر سرتاسر جامعه افکنده بود و با بی توجهی به فاصله عمیق میان نیروهای امنیتی و مردم، سعی و جدیت بر آن بود که با تأمین امکانات فوق العاده برای نیروهای نظامی، درک چنین خلثی را منتفی

۱. «در زمان پهلوی، دولت مقابل ملت و ارتش مقابل ملت و همه مقابل ملت بودند؛ یعنی این کلانتری‌ها و این ارتش و این ژاندارمری و اینها هر چه می‌توانستند از مردم اخذ می‌کردند، به زور و ارعاب». (امام خمینی،

سازد؛ چه آنکه شاه نظامیان را پشتیبان اصلی خود می‌دانست (ر.ک. به: عطازاده، ۱۳۸۵). وی شمار نفرات نظامی را به ترتیب از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰ هزار نفر در سال ۵۶ افزایش داد. همچنین بودجه سالانه ارتش را از ۲۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ و پس از چهار برابر شدن قیمت نفت، به ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ رساند. (ابراهیمیان، ۱۳۷۷، ص ۵۲۵)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف اصلاح این نقطه ضعف در ساختار دفاعی کشور، تدابیری اندیشیده شد که اعزام واحدهای ارتشی به روستاها و شرکت در فعالیتهای جهاد سازندگی، با هدف تزکیه روحی نظامیان و ارتباط با متن مردم و اطلاع از رنجها و مشکلات و انتظارات آنها از نیروهای حافظ امنیت خود، از آن جمله است. (همان، ص ۵۳۶)

درونی شدن نظم، ضامن امنیت پایدار

در علوم انسانی و اجتماعی، فرهنگ پذیری یا درونی کردن ارزشها یکی از روشهای مطمئن برای رعایت ارزشها و هنجارها توسط آحاد جامعه شناخته شده است؛ به گونه‌ای که هر کس از درون ضمیر خود، کشش و تمایل قلبی برای رفتار متناسب با ارزشها احساس کند و میل به تخلف از هنجارها را نه به لحاظ ترس از افشا یا عوامل بیرونی دیگر، بلکه به عنوان امری ناخوشایند در ضمیر خود سرکوب کند. در واقع؛ به منظور تحقق امنیت واقعی جامعه، بر اساس نظریه مبادله هومنز (ر.ک. به: ریتزر، ۱۳۷۶، ۴۲۳-۴۱۴) باید یک مکانیزم خود تنظیم کننده، توسعه یافته و به طور مؤثر کار کردی داشته باشد تا حرص و طمع فردی و خودخواهی، تحت کنترل در آید؛ بدون اینکه در این روند، انگیزه‌ها و محرکها خفته و خاموش گردد یا زندگی اجتماعی، طفیلی و انگل وار گسترش یابد (دیوب، ۱۳۷۷، ص ۹۴). امیل دورکیم، جامعه شناس شهیر فرانسوی نیز به درستی متذکر می‌شود که در تحلیل نهایی، پایه هر نظم اجتماعی را عاطفه تشکیل می‌دهد؛ زیرا تنها در این صورت اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشد، همه انسانها را از خود می‌داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همگان در تعریف او از دوستی جای می‌گیرند. به همین جهت،

تحقق یک نظم اجتماعی کاملاً عقلانی آن گونه که ماکس وبر می‌اندیشد، قابل تصور نیست (جلی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲). در تحقق چنین نظمی، برخی تا آنجا به نقش و تأثیرگذاری عمیق «تحوّل درونی در تغییرات اجتماعی» بها می‌دهند که همچون سوروکین معتقدند عوامل خارجی نقش تعیین کننده‌ای ندارند، بلکه در ذات هر جامعه می‌باشند. سوروکین در کتاب پویایی شناسی اجتماعی - فرهنگی تأکید می‌کند که در هر زمان، زمینه‌های تحوّل در جامعه از درون پدید می‌آید و همانند نفس کشیدن انسان، تحوّل پذیری در سرشت هر جامعه نهفته و از آن جدا شدنی نیست و هر اجتماع در خودش بذر دگرگونی را دارد (نقل از: همان، ص ۳۹). به نظر او، انگیزه یا عوامل خارجی، تنها قادر به افزایش یا کاهش سرعت این روند هستند. قرآن کریم نیز به این واقعیت توجّه دارد و به استناد آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»، حتی جهت‌گیری مشیت الهی را مسبوق به تغییر و تحوّل درونی اجتماعات بشری خواهان پیشرفت و تکامل می‌داند. (همان، ص ۴۰)

حضرت امام خمینی (ره) به عنوان مرجع دینی و با هدف انجام تکلیف الهی خود، در جریان انقلاب اسلامی، مردم را به تحرک درونی واداشت. ایشان با اتخاذ چنین شیوه کارآمدی، موفق شد خیل عظیمی از جوانان را آنچنان به تحرک و کنترل از درون وادارد که نظیر آن در تاریخ ملتها کمتر یافت می‌شود. حضرت امام (ره) با عنایت به این واقعیت که ناامنی ریشه در بی‌ایمانی دارد و بی‌ایمانی ریشه همه نابسامانی‌ها در عرصه فرهنگ، اقتصاد، سیاست و... است، معتقد بود تنها با درونی شدن ارزشها می‌توان به این نابسامانی‌ها خاتمه داد. ایشان مشارکت و تشویق مردم به دخالت در امور کشور را راهکار مؤثر تشخیص داد. همچنین فضای سالم اخلاقی حاکم بر خطوط مقدم و مناطق جنگی کشور در طول هشت سال دفاع مقدّس در مقایسه با ناهنجاری‌های معمول نظامیان در سایر جنگها که با فسادهای اخلاقی گسترده نظامیان همراه است، گواه دیگری بر صحّت محور قراردادن ایمان در تأمین امنیت از سوی امام راحل می‌باشد. هنوز فحشای حاصل از حضور نظامیان آمریکا در جنوب شرق آسیا، پس از سالها اتمام جنگ در ویتنام، دامنگیر ملتهای آن سامان است. به وضوح شاهد بودیم که اخلاق جنسی حاکم بر بسیجیان ما در

مناطق جنگی و غیر آن، از وضعیت متعارف علیه مردم و ساکنان هر منطقه پاک‌تر و سالم‌تر بود (حاضری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳-۱۱۲). امام (ره) که به ارزش امنیت حاصل از حضور مردم و تأثیر شگرف آن بر دفع آسیبهای احتمالی متوجه هماهنگی میان مردم و نهادهای رسمی متولی نظم کاملاً آگاهی داشتند، توصیه‌های مهمی در این خصوص ارائه فرمودند که به برخی از آنها به طور مختصر اشاره می‌شود.

۱. رعایت عدالت؛ به این معنا که پاسدار، خود دارای عدالت باشد تا بتواند از عدالت پاسداری کند. (ر.ک.به: روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۵)
۲. سرمایه‌گذاری بنیادی بر روی منابع انسانی؛ «اقتصاد زود قابل جبران است، اما در مورد نیروی انسانی. سالهای طولانی لازم است تا یک انسان به مرحله انسانی برسد». (۵۸/۳/۲۴)
۳. احتراز از اختلافات از رهگذر اولویت بخشی به منافع ملی در برابر منافع صنفی و گروهی. (ر.ک.به: روزنامه اطلاعات، ۵۹/۹/۱۶)

چارچوب نظری پژوهش حاضر

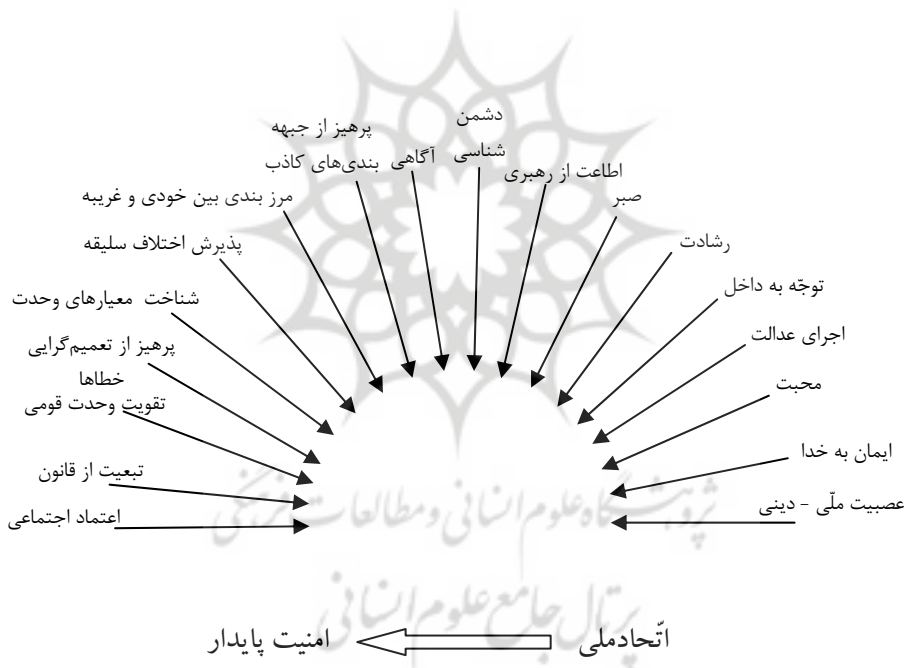
بر اساس اندیشه‌ها و مباحث نظری ارائه شده، چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی می‌باشد و نوعی تبیین کارکردی - ساختاری است؛ زیرا در ساخت، به روابط بین مؤلفه‌ها با امنیت پرداخته شده و در کارکرد، اثری که این مؤلفه‌ها بر جامعه دارند، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین، هر قدر مؤلفه‌های اتحاد ملی در جامعه بیشتر تقویت شده و مورد توجه و اجرا قرار گیرند، به همان نسبت نیز امنیت پایدار مردمی تضمین می‌شود.

با توجه به مبانی نظری پژوهش، مؤلفه‌های اتحاد ملی عبارتند از:

۱. معرفت و آگاهی؛ ۲. نظم اجتماعی؛ ۳. پیروی از امام؛ ۴. صبر در سختیها؛ ۵. رشادت و از خود گذشتگی؛ ۶. توجه به شرایط داخلی؛ ۷. اجرای عدالت؛ ۸. تبعیت از قانون؛ ۹. ایمان به خدا؛ ۱۰. داشتن اعتماد اجتماعی؛ ۱۱. دشمن شناسی؛ ۱۲. پرهیز از جبهه‌بندی‌های کاذب در بین جناحهای مختلف؛ ۱۳. اعتماد اجتماعی؛ ۱۴. شفاف سازی

مفهوم وحدت؛ ۱۵. پذیرش اختلاف سلیقه‌ها؛ ۱۶. شناخت معیارهای وحدت (قانون، اخلاق، ارزشهای اسلامی)؛ ۱۷. تبیین پرهیز از تعمیم‌گرایی خطاهای کوچک به همه ارکان جامعه؛ ۱۸. تقویت وحدت قومی؛ ۱۹. تبیین محبت و استمرار آن در خانواده؛ ۲۰. تبیین عصبیت ملی - دینی (همگرایی).

الگوی نظری در نمودار ذیل ترسیم شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس این الگو، ۲۰ مؤلفه اتحاد بر امنیت پایدار تأثیر گذار بوده که پس از اجرای پرسشنامه، برخی از مؤلفه‌ها حذف و برخی تأیید شده‌اند.



۱. اهداف اختصاصی ۱ تا ۸ از سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب به مناسبت‌های مختلف که بر اساس آموزه‌هایی از سخنان گرانبار امام علی (ع) می‌باشند، استخراج شده‌اند و به عنوان یک نظریه در این پژوهش مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرند تا به عنوان یک تئوری در سطح کلان و قابل کاربرد در مجامع علمی مورد توجه و استفاده اندیشمندان قرار گیرد.

فرضیه

با توجه به مباحث نظری ارائه شده، فرضیه اساسی این است که اتحاد ملی و انسجام اجتماعی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر امنیت پایدار مردمی می‌باشد که خود نیز دارای حداقل ۲۰ مؤلفه است. وجود اتحاد در جامعه و مورد توجه قرار گرفتن مؤلفه‌های آن از سوی مسئولان و آحاد مردم، سهم بسزایی در تقویت امنیت پایدار مردمی دارد. بر اساس فرضیه فوق، برای آزمون مؤلفه‌ها، پرسشنامه‌ای بر اساس طیف لیکرت ساخته شد و با استفاده از تحلیل رگرسیون، در ارتباط با امنیت پایدار قرار گرفتند. رابطه بین برخی از مؤلفه‌ها با امنیت پایدار مردمی معنا دار و رابطه برخی دیگر نیز معنادار نبوده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای پاسخگویی به سؤال اصلی، از روش تحلیل عاملی و رگرسیون چند متغیره بر اساس نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است؛ از تحلیل عاملی برای کاهش تعداد متغیرها و افزایش دقت در تبیین (ر.ک.به: کلاتری، ۱۳۸۲؛ ساروخانی، ۱۳۸۲؛ کیم و همکاران، ۱۳۷۸) و از رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی تأثیر متغیرهای چندگانه پیش‌بینی بر متغیر ملاک بهره گرفته شده است (استفاده شده است). در مرحله بعد، اهمیت متغیرها در ایجاد همبستگی و اتحاد و امنیت، از سوی پاسخگویان رتبه بندی شده است. برخی از مؤلفه‌ها تأثیر بسیار ناچیزی بر اتحاد و امنیت پایدار داشتند که حذف شدند. اما ۱۱ مؤلفه تأثیر بسیار بالایی داشتند؛ یعنی بر اساس تحلیل عاملی، با تقویت این ۱۱ مؤلفه در جامعه، اتحاد و انسجام ملی و به تبع آن امنیت پایدار مردمی حفظ و تقویت می‌شود.

در تحلیل عاملی، از نظر دبیران شهر همدان هر یک از مؤلفه‌ها به تنهایی درصد بسیار بالایی از واریانس و تغییرات امنیت پایدار مردمی را تبیین می‌کنند که به شکل ذیل ارائه می‌شود:

دشمن شناسی (ENEMOLOG) = ۸۸/۲٪؛

شناخت خودی (FAMILIAR) = ۸۴٪؛

شناخت غیر خودی (STRANGER) = ۹۵/۲٪؛

پذیرش اختلاف سلیقه‌ها (OPINION) = ۹۹/۹٪؛

احترام و عمل به قانون (LAW) = ۹۴/۵٪؛

التزام و عمل به اخلاق اسلامی (MORALITY) = ۶۰/۳٪؛

عمل و التزام به ارزشهای اسلامی (VALUES) = ۸۵٪؛

وجود اقوام متحد (KINFOLK) = ۸۷٪؛

قومیتها (ETHNICIT) = ۸۹/۱٪؛

ایمان به خدا (BELIEF) = ۹۳/۴٪.

در مجموع، همه این مؤلفه‌ها با هم حدود ۹۴ درصد از تغییرات امنیت پایدار مردمی را تبیین می‌کنند که بیانگر اهمیت آنهاست؛ یعنی اگر به این مؤلفه‌ها توجه شود و اجرا گردند، امنیت مردمی حفظ و تقویت می‌شود؛ آن گونه که هیچ عاملی نمی‌تواند در جامعه پراکندگی و تفرقه ایجاد کند. بنابراین، اتحاد ملی مهم‌ترین عامل ایجاد کننده امنیت پایدار مردمی است. بر این اساس، برای داشتن امنیت پایدار، باید به مهم‌ترین عامل؛ یعنی اتحاد و انسجام توجه کرد.

نتایج فوق، تأیید کننده فرمایش قرآن کریم در آیه ۱۰۵ سوره آل عمران، سخنان امام علی (ع) در خطبه‌های ۱۹۲ و ۲۵ نهج البلاغه، و سخنرانی‌های امام راحل در تاریخهای ۱۳۵۸/۴/۷، ۱۳۶۰/۹/۴، ۱۳۵۸/۲/۱۴ و حکومت اسلامی و نیز بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با ایمان به خدا و دشمن شناسی و مرزبندی بین خودی و غیر خودی در تاریخهای ۲/۲۱ و ۱۳۷۸/۴/۲۱، ۱۳۷۸/۷/۹، ۱۳۷۷/۱۰/۳، در رابطه با تأکید بر بلا اشکال بودن اختلاف سلیقه‌ها و وحدت اقوام در تاریخهای ۷۹-۱۳۷۷/۱۰/۹ و ۱۳۷۸/۷/۱ و در رابطه با معیارهای وحدت؛ یعنی التزام و عمل به قانون، اخلاق اسلامی و ارزشها در ۱۳۷۸/۹/۷ می‌باشد. بنابراین، بر اساس یافته‌های فوق، مؤلفه‌های تبیین کننده اتحاد ملی و امنیت پایدار مردمی در این پژوهش، ۱۱ عامل فوق می‌باشند.

توجه به درون و محدودیتها و امکانات جامعه (مانند پذیرش اختلاف سلیقه‌ها،

احترام و عمل به قانون، التزام و عمل به اخلاق، عمل و التزام به ارزشهای اسلامی، وجود اقوام مختلف) و توجه به بیرون (مانند دشمن شناسی، شناخت غیر خودی)، از معیارهای درست اندیشیدن برای ساختن جامعه مناسب و منسجم می‌باشد. درون نگری و بیرون نگری با هم، سازنده بوده و نقش اساسی در اتحاد مردمان سرزمین با یکدیگر و با مسئولان دارد و بستر مناسبی برای رشد و پایداری امنیت محسوب می‌شود. در تحلیل رگرسیون، ضریب همبستگی بالا (۰/۷۱۵) بین عوامل بر شمرده با اتحاد و انسجام و سطح معناداری ۰/۹۹، تأیید کننده تحلیل و تبیین فوق می‌باشد.

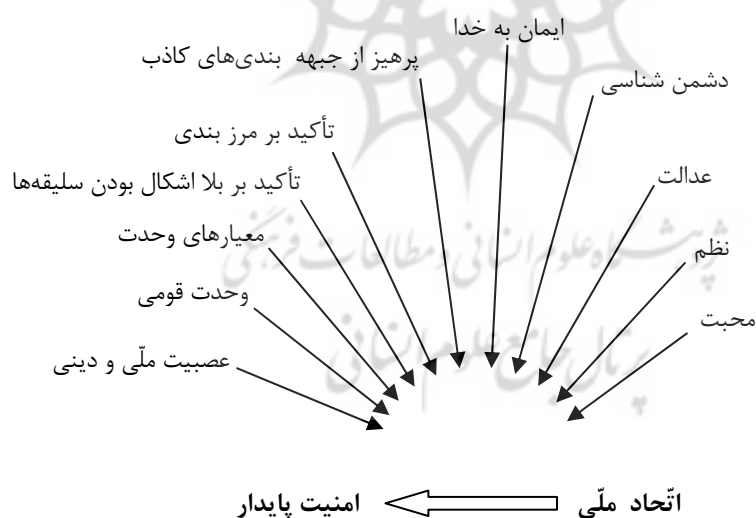
رتبه بندی اهمیت مؤلفه‌های اتحاد ملی مؤثر بر امنیت ملی از نظر دیران شهر همدان، بر اساس بیشترین فراوانی در جدول ذیل، تنظیم شده‌اند.

ردیف	مفهوم	فراوانی	درصد
۱	اجرای عدالت	۱۱۶	۸۹/۲
۲	ایمان به خدا	۱۱۴	۸۷/۷
۳	دشمن شناسی	۱۱۴	۸۷/۷
۴	نظم اجتماعی	۹۱	۷۰
۵	پرهیز از جبه‌بندی	۹۰	۶۹/۲
۶	معیارهای وحدت	۷۶	۵۸/۵
۷	شفاف سازی وحدت	۷۱	۵۴/۶
۸	پذیرش اختلاف سلیقه‌ها	۶۱	۴۶/۹
۹	فضای عاطفی مبتنی بر محبت	۶۹	۵۳/۱
۱۰	پرهیز از تعمیم گرایی	۶۷	۵۱/۵
۱۱	وحدت قومی	۶۴	۴۹/۲
۱۲	عصبیت ملی و دینی	۴۹	۳۷/۷
۱۳	تأکید بر مرزبندی	۴۷	۳۶/۲

همان طور که ملاحظه می‌شود، اجرای عدالت بیشترین (۸۹/۲٪) و تأکید بر مرزبندی کمترین تأثیر (۳۶/۲٪) را بر اتحاد ملی و به تبع آن، امنیت پایدار مردمی دارد. لذا توجه به اجرای عدالت با مکانیزمهای متنوع، جهت تأمین و تضمین امنیت پایدار، ضروری است.

با توجه به چارچوب نظری و تأکید اندیشمندان اجتماعی بر اجرای عدالت، یافته‌ها بیانگر اهمیت این متغیر در انسجام و اتحاد جامعه می‌باشد. اجرای عدالت را می‌توان به ستون فقرات جامعه تشبیه کرد که با استحکام و سلامت آن، امنیت پایدار تضمین می‌شود؛ زیرا همان طور که ستون فقرات سالم، نگهدارنده انسان و راست قامتی آن می‌باشد، اجرای عدالت نیز حافظ انسجام و اتحاد و امنیت بوده از تفرقه و تشتت جلوگیری می‌کند. به همین دلیل در مقایسه نفع فردی و نفع اجتماعی، تقدم با نفع اجتماعی از طریق عدالت اجتماعی است. اینکه امام اول شیعیان برای اجرای عدالت از هیچ امری فروگذار نبودند، به دلیل اهمیتی است که اجرای این مفهوم در راست قامتی و استواری جامعه به عهده دارد.

با توجه به مبانی نظری پژوهش و نتایج به دست آمده، الگوی نهایی چارچوب نظری مؤلفه‌های اتحاد ملی و رابطه آنها با امنیت پایدار مردمی پس از پیمایش^۱ به شکل ذیل نمایش داده می‌شود.



۱. یعنی با مراجعه به جامعه نمونه و توزیع پرسشنامه و جمع آوری اطلاعات و تحلیل آنها.

الگوی فوق نشان می‌دهد که تأثیر ۱۱ مؤلفه بیان شده اتحاد ملی بر امنیت پایدار مردمی، غیر قابل انکار است. با اتحاد است که امنیت پایدار تضمین می‌شود. بنابراین، برای داشتن ملتی متحد در پرتو ایمان به خدا و در سایه ولایت فقیه و به دور از بلیات تفرقه، شایسته است که مسئولان، به مؤلفه‌های فوق توجه کرده، برای به سلامت رساندن این کشتی پرتلاطم، به سرمنزل مقصود، تلاش کنند. توجه به ۱۱ مؤلفه فوق و ملبس کردن اندیشه و احساس و کردار خویشان به آنها، زینت بخش ملتی خواهد شد که در عرصه بین‌المللی برای متحد ساختن امم جهانی، الگو خواهد بود و حرفها خواهد داشت. یافته‌های عینی پژوهش حاضر، بهترین صدای کارشناسی شده بیانات گهربار کتاب آسمانی و قرآن ناطق (امام علی (ع)) و مقام معظم رهبری و متفکران اجتماعی می‌باشد. در این برهه حساس تاریخی، انجام استراتژی راهبردی و اقدامات عملی، نگاه جهانیان را نسبت به کپارچگی ایران و ایرانیان خیره خواهد ساخت. لذا شایسته و بایسته است که از این لحظه سرنوشت ساز تاریخی، هر مسئولی متناسب با توانش، فرصت را مغتنم شمارد و از این رهنمودهای آسمانی و زمینی برای عزت و سربلندی کشور و اتحاد و انسجام ملت و امنیت پایدار، به نحو احسن استفاده کند.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی

۱. برای تقویت فکر و معرفت جوانان در رابطه با اهمیت اتحاد و مهم‌ترین پیامد آن در جامعه؛ یعنی امنیت پایدار، تشکیل کلاسهای معرفتی و پژوهشی فوق برنامه، ضروری است. این کار از طریق برگزاری کلاسهای توسط کانونهای بسیج امکان پذیر است.
۲. با تشکیل کلاسهای ضمن خدمت برای فرهنگیان و کارگاههای آموزشی برای اساتید دانشگاهها و گنجاندن مفاهیم فوق به عنوان سرفصل دروس در کتابهای درسی دوره‌های مختلف آموزشی نوجوانان و جوانان، می‌توان تأکیدات مقام معظم رهبری بر دشمن شناسی و دوری از تفرقه و مرزبندی و اختلاف و... را با روشهای مختلف و

کلاسهای متنوع به نسل آتی آموزش داد و حس هوشیاری و نکته‌سنجی آنها را در مقابل برخی از افکار تفرقه‌اندازی که از سوی دشمنان داخلی و خارجی آنها را تهدید می‌کند، تقویت کرد تا بالندگی و تعالی جامعه با وجود نسلی نکته‌سنج و هوشیار تضمین گردد و امنیت پایدار، استمرار یابد.

۳. در جهت افزایش اعتماد بین اشخاص در درون خانواده و خارج از آن، از طریق کلاسهای آموزش خانواده تلاش شود. سازمانهایی که متوکی آموزش و اجتماعی کردن آحاد جامعه می‌باشند، (مانند رسانه‌ها و ارشاد) در جهت آموزش مؤلفه‌های اتحاد و امنیت ملی به خانواده‌ها، بخشی از برنامه‌ها و سر فصلهای آموزشی خود را به این موضوع اختصاص دهند.

۴. مسئولان محترم طراز اول کشور با برگزاری جلساتی مبتنی بر شنیدن مشکلات مردم از زبان خودشان از طریق حضور مستقیم در محل یا از طریق صدا و سیما و ارتباط زنده، در جهت بستر سازی اعتماد اجتماعی و تأثیر غیر قابل انکار آن بر اتحاد و همبستگی بین افراد و مسئولان تلاش کنند؛ زیرا تقویت اعتماد مردمی به تقویت امنیت پایدار می‌انجامد.

۵. آموزش نظم و انضباط را با جدی گرفتن و توجه کردن به قوانین و مقررات، اخلاقیات و ارزشهای جامعه از سوی افراد بزرگسال، در نسل جدید درونی سازیم؛ زیرا فرزندانمان بیشتر با نگاه کردن به اعمال بزرگ‌ترهاست که می‌آموزند و عمل می‌کنند و اگر رعایت اخلاقیات و ارزشها و قوانین از سوی بزرگ‌ترها نادیده گرفته شود، امنیت اجتماعی به خطر می‌افتد.

۶. اجرای عدالت با ابزارهای متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از اهم مؤلفه‌های اتحاد و به تبع آن امنیت پایدار مردمی است. لذا همه مسئولان و همه کسانی که توان پرداختن به این مهم را دارند، با انسجام و اتحاد و حفظ وحدت کلمه و دوری از تفرقه، چون ید واحد برای اجرای حدود الهی تلاش کنند و از وسوسه‌های توطئه آمیز افراد مغرض نهراسند؛ زیرا با اتحاد و همدلی است که امنیت، تضمین و شکوفایی جامعه، امکان پذیر می‌گردد.

۷. تقویت نیروهای فعال، مخلص و پرشور بسیجی و حمایت‌های معنوی و مادی از این نهاد مردمی، امنیت پایدار مردمی را تضمین می‌کند. لذا توجه به این نهاد مردمی، در همه ارگانهای رسمی و غیر رسمی، جزء شرح وظایف قلمداد شود و از هر نوع رابطه نگری و پارتی بازی در این خصوص و نیز تشکیل شوراهای و کمیسیونها و گردهمایی‌هایی که مختص عوامل خاص با پستهای خاص می‌گردد و موجب دوری بسیجیان واقعی از عرصه‌های مهم تصمیم‌گیری می‌شود و در نهایت به تضعیف این نهاد مردمی می‌انجامد، خودداری شود.

ب) پیشنهادهای علمی

۱. اندیشمندان در عرصه‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و آموزشی با انجام تحقیقات و پژوهشهایی در رابطه با موضوع اتحاد ملی و امنیت اجتماعی، در سطح کشور به این امر الهی - انسانی پردازند و بر اساس یافته‌های منطقی و کارشناسی شده، نتایج علمی خود را جهت برنامه ریزی در اختیار مسئولان قرار دهند تا آنها از هرگونه برنامه ریزی سلیقه‌ای و فاقد کارشناسی شده، پرهیز کنند.

۲. موضوع اتحاد ملی با روش تاریخی و غور در اندیشه‌های متفکران گذشته مورد پژوهش قرار گیرد و از هرگونه سوگیری در این وادی پرهیز شود؛ به گونه‌ای که یافته‌ها بدون جهت‌گیری خاص، در کمال روشنی و بی‌طرفی، خود را بنمایانند تا مسئولان بر اساس عبرت آموزی از تاریخ و منطق علمی در حوزه‌های کاری خود، جهت رشد و تقویت اتحاد و امنیت ملی بکوشند.

۳. با غور و تدبیر علمی - پژوهشی در منابع غنی اسلامی مانند قرآن کریم و نهج الفصاحه و نهج البلاغه و ادعیه شریف ائمه الهدی(ع)، موضوعات محوری در خصوص اتحاد و انسجام و امنیت استخراج شود و با روش علمی آنها را صورت این زمانی داده تا قابلیت اجرایی بیابند؛ زیرا خداوند مَنان می‌فرماید که قرآن را برای همهٔ زمانها آفریدیم. پس بر اهل علم است که از این منبع قیاض بیشترین بهره‌برداری را برای ساختن جامعه‌ای ایده آل داشته باشند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- آبراهامز، جی.اچ (۱۳۶۹)؛ مبانی و رشد جامعه شناسی، ج ۱، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش، چ دوم.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳)؛ تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، از آغاز تا دوره معاصر، تهران، نشر علم.
- ابراهیمیان، پروانه (۱۳۷۷)؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۹)؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، چ هفتم.
- امام خمینی، سید روح الله (بی تا)؛ صحیفه نور، بی جا، بی نا.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸)؛ «سخنرانی در جمع پاسداران قرچک ورامین»، بی جا، بی نا، ۱۳۵۸/۴/۵.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸)؛ «سخنرانی در جمع پاسداران و بازاریان، تهران، بی جا، بی نا، ۵۸/۳/۲۴.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸)؛ «سخنرانی در جمع سپاه پاسداران، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۲/۱۴.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸)؛ «سخنرانی در جمع مسئولان سپاه پاسداران»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۷.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۵۹)؛ «سخنرانی در جمع استانداران»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۹/۱۶.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)؛ فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- بارنز، هری المر و هوارد بکر (۱۳۷۰)؛ تاریخ اندیشه اجتماعی، ج ۲، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، بی جا، بی نا.
- باقری، سیامک (۱۳۷۹)؛ وحدت مواضع امام و رهبری - رفتار جناحها، تهران، اداره سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- بیرو، آلن (۱۳۶۶)؛ فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چ دوم.
- جوانی، یدالله (۱۳۸۶)؛ «ضرورت وحدت قومی در کشور»، راه راستان، سال دوم، ش ۱۱ (مرداد).
- چلیبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- حاضری، علی محمد (۱۳۷۶)؛ «نظم و امنیت اجتماعی از منظر امام خمینی (س)»، مجله حضور، ش ۱۹.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۲)؛ ICT و سرمایه اجتماعی، تحلیل جامعه‌شناختی از کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- دورکیم، امیل (۱۳۵۹)؛ تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، تهران، انتشارات قلم.
- دیوب، اس.سی (۱۳۷۷)؛ نوسازی و توسعه، ترجمه احمد موثقی، تهران، نشر قومس.
- رجب‌زاده، محمود و همکاران (۱۳۷۸)؛ تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۶)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- سابق.ی. (۱۳۷۷)؛ امنیت در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران، شرکت انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)؛ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، تهران، نشر دیدار.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)؛ «بسیج ترجمان آرمانهای دفاعی امام خمینی (ره) در پاسداشت امنیت ملی»، مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۲)؛ پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، تهران، نشر شریف.
- کیم، جان و چارلز و مولر (۱۳۷۸)؛ کاربرد تحلیل عاملی در علوم اجتماعی - همراه با دستورات spss/pc، ترجمه مسعود کوثری، تهران، سلمان.

- مطهری، مرتضی (۱۳۵۶)؛ **عدل الهی**، قم، صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۶)؛ **فرونگ معین**، تهران، امیرکبیر.
- نوذری، عزت الله (۱۳۸۱)، **تاریخ اجتماعی ایران - از آغاز تا مشروطیت**، شیراز، پژمان، چ دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی